



اهداف برنامه فلسفه برای کودکان

رهام پاراد^۱، محمد حسن بادست^۲، حلیمه بادست^۳

چکیده

هدف از این پژوهش **اهداف برنامه فلسفه برای کودکان** می باشد. در این پژوهش تفکر انتقادی و جایگاه آن در تعلیم و تربیت و نقش آن در برنامه آموزشی لیپمن از دیدگاه فیلسوفان تعلیم و تربیت مورد بررسی قرار گرفت. روش انجام پژوهش به صورت توصیفی تحلیلی از نوع مطالعه کتابخانه‌ای است. پس از بررسی و تحلیل مطالب در این پژوهش می توان نتیجه گفت که تفکر انتقادی دغدغه‌ی تمام فیلسوفان تعلیم و تربیت است و برنامه فبک (فلسفه برای کودکان) حلقه‌ی مفقود شده آموزش و پرورش امروزی است. در این برنامه دانش آموزان با مشارکت در حلقه‌های کندوکاو فلسفی بر مهارت‌های استدلالی، تحلیل و قدرت ارزیابی خود می‌افزایند و شرکت در کلاس‌های فلسفه برای کودکان در قدرت اعتماد به نفس، خودباوری و اجتماعی شدن دانش آموزان تأثیر مثبت دارد. هدف برای آموزش فلسفه به کودکان به این شرح قید نموده است: ۱- بهبود توانایی استدلال ۲- پرورش خلاقیت ۳- پرورش تفکر انتقادی ۴- پرورش درک اخلاقی ۵- پرورش ارزش‌های هنری ۶- پرورش شهروندی ۷- رشد فردی و میان فردی ۸- پرورش توانایی مفهوم‌یابی در ترجمه **کلید واژگان:** تفکر انتقادی، الگوی آموزشی، فلسفه، تعلیم و تربیت

^۱ نویسنده مسئول: لیسانس، رشته مددکاری اجتماعی، دانشگاه علمی کاربردی بهزستی استان کهگیلویه و بویراحمد، Raham.Parade1400@gmail.com

^۲ لیسانس، رشته علوم تربیتی، دانشگاه آزاد گچساران، badast@yahoo.ir

^۳ لیسانس، رشته علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور مارگون، halima.baddast1400@gmail.com

۱- مقدمه

نهادآموزش پرورش تنها نهادی است که از گستردگی جهانی برخوردار است. علی‌رغم تفاوت‌های فرهنگی میان جوامع مختلف دنیا دارای شباهت‌های زیادی باهم هستند. آن‌ها همگی به یک مکان به اسم مدرسه می‌روند و دروس مختلفی را فرامی‌گیرند. در همه‌ی مدارس آموزش‌هایی مثل ریاضی، تاریخ، جغرافی، ادبیات و ... آموزش داده می‌شود. یادگیری‌های مذکور ممکن است موانعی در سر راه فکر کردن قرار گیرد و حتی آن را متوقف سازد اگر چنین باشد تعیین یادگیری به‌عنوان هدف تعلیم و تربیت در عمل موفقیت‌آمیزه نظر نمی‌رسد. مدارس امروز متأسفانه به دلیل پیشرفت‌های علوم و فنون و بر اساس بعضی رویکردهای روان‌شناختی توجه خود را بیشتر به انتقال اطلاعات معطوف کرده و از تربیت انسان‌های متفکر و خلاق فاصله گرفته‌اند. (شعبانی، ۱۳۸۲، ص ۸۹)

واقعیت این است در عصر کنونی کتاب‌های درسی قبل از چاپ شدن کهنه می‌شوند و بیشتر مشاغل سریعاً تغییر می‌کنند پس وقت آن رسیده است که تعلیم و تربیت نیز شرایط دیگری پیدا کند و به پرورش تفکر انتقادی در افراد به‌منزله‌ی یکی از هدف‌های اصلی تعلیم و تربیت توجه شود. در فرآیند آموزش پرورش ضمن تقویت روحیه‌ی انتقادپذیری در معلمان و زمینه بررسی و تحقیق در شاگردان را به وجود آورد. چون موفقیت‌های هر نظامی به توانایی افراد در تحلیل و تصمیم‌گیری متفکرانه بستگی دارد و آموزش پرورش هر کشور نباید از این امر مهم غافل بماند. ریشه‌های خردمندانه تفکر انتقادی قدمتی دیرینه دارد روش تدریس سقراطی در ۲۵۰۰ سال قبل مؤید این مطلب است که عده‌ای از صاحب‌نظران تعلیم و تربیت از جمله لیپمن به این نتیجه رسیده‌اند برای رهایی از تعلیم و تربیت سنتی که در اغلب کشورهای دنیا در حال انجام است می‌توان به تعلیم و تربیتی مبتنی بر تفکر روی آورد. از مفروضات بنیادی آن یعنی پرورش قوه‌ی قضاوت صحیح در فراگیران و ایجاد مهارت استدلالی در آنان استفاده کرد و افراد را برای برخورد با زندگی پر چالش آینده آماده کرد.

با توجه به اینکه دوران کودکی، دوران سرنوشت‌ساز و حساسی در زندگی کودکان و سرشار از کنجکاوی، خلاقیت و رغبت هستند و شور و شوق دانستن و درک کردن در آن‌ها موج می‌زند بنابراین باید دوران را معتتم شمرد و با پرورش هرچه بهتر استعداد‌های کودکان، عادات آزاد اندیشیدن و تفکر انتقادی و خلاق را در آن‌ها تثبیت و نهادینه کرد. اگرچه اندیشیدن کاری است که از طبیعت آدمی برمی‌خیزد و از این رو برای آدمی امری طبیعی، ولی درست اندیشیدن کاری است به هدایت، تمرین و تربیت است. (نقیب زاده، ۱۳۸۴). با توجه به اینکه به این نوع تفکر در نظام آموزش و پرورش توجه نمی‌شود پرسش‌هایی به ذهن متبادر می‌گردد که آیا تفکر انتقادی بر اساس نظریات لیپمن باعث تحول در تعلیم و تربیت می‌شود؟ امروزه توجه به تفکر انتقادی در فرآیند تدریس و یادگیری یکی از بارزترین اهداف تربیتی و آموزشی است انیس^۱، لیپمن^۲ و پاول^۳ ۱۹۸۹ معتقد بودند که تربیت انسان‌های صاحب اندیشه باید نخستین هدف تعلیم و تربیت باشد به نظر پاول محصول نهایی تعلیم و تربیت باید ذهن کاوشگر باشد. (شعبانی، ۱۳۸۲) بنابراین مهارت‌های فکری و ذهنی فراگیران همواره به‌عنوان یکی از مهم‌ترین هدف‌های آموزشی در نظام‌های آموزشی جهان مدنظر قرار گرفته است. نگرانی در مورد ضعف و نقص تفکر خلاق و انتقادی در دانش‌آموزان خاص یک منطقه و کشور نیست بلکه تمام نظام‌های آموزشی را در بر گرفته (استاپلتون ۲۰۱۱، ۴). لیپمن به‌عنوان استاد فلسفه با مشکل فقدان یا نقصان قدرت استدلال تمیز و داوری در نزد دانشجویان خود مواجه شد. و در ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰ م مطالعات نظام‌مندی در تحلیل و تشخیص حل مسئله انجام داد عامل عمده این وضعیت را ضعف در تفکر به ویژه سستی در تفکر انتقادی و خلاق یافت که ریشه در آموزش‌های دوران کودکی دارد. به همین دلیل بر حسب تحول در سبک‌های آموزشی در دوران کودکی می‌توان آن را درمان و پیش‌گیری کرد. (قرا ملکی و امی، ۱۳۸۴) از نظر لیپمن هدف عمده برنامه آموزش فلسفه به کودکان آن است که به کودکان بیاموزند چگونه برای خود فکر کنند در واقع هدف فلسفه برای کودکان از دیدگاه لیپمن ایجاد تفکری اثربخش انتقادی و مستدل در کودکان است. (همان) برنامه درسی ارائه‌شده توسط لیپمن در پایه‌های مختلف تنظیم شده است و دارای محتوا و هدف‌های متفاوتی و دارای راهنمای آموزشی مخصوص به هر پایه است. در این پژوهش سعی شده است تفکر انتقادی و برنامه آموزشی لیپمن که در دو دهه گذشته توسط متیو لیپمن و دیگر اندیشمندان موافق نظر او اجرا شده است بررسی شود.

۱-۱- بهبود توانایی استدلال^۱

در آغاز کودکی «منطق در عرصه ی زبانی با وضع قواعد و اصول کلامی نهادینه می شود هرچه استعمال کلمات گسترده تر شود، فهم کودکان از جهان اطرافشان دست خوش تغییراتی خواهد شد که در نظم دهی به منطق گفتمان آنها با جهان پیرامون مؤثرتر است (لیپمن، ۱۹۸۰، به نقل از قائدی و سلطانی، ۱۳۹۰، ص ۳۳). در گذشته برای رشد منطق از تخیل کودکان جلوگیری به عمل می آمد در حالی که امروزه با قراردادن کودک در میان حلقه ی کندوکاو و نقش پذیری او در حین بازی های زبانی گوناگون به بسط استدلال ورزی و دلیل خواهی او می رسیم (لیپمن، ۱۹۹۱، به نقل از قائدی و سلطانی، ۱۳۹۰، ص ۱۰۲).

۱-۲- پرورش خلاقیت^۱

کودک زمانی قادر به بیان تجارب خود است که بتواند به بررسی آن بپردازد و با یک تفکر منطقی به نظاره دوباره آن بنشیند، این امر منجر به پرورش تخیل و خودانگیزگی او می شود و کودک را وادار می سازد به طرح شقوق مختلف برای یک پدیده بنشیند (قائدی، ۱۳۸۳، ص ۲۲).

۱-۳- پرورش تفکر انتقادی^۲

یافتن وضوح واقعی «در یک حلقه کندوکاو منجر به نقد آرای خود و دیگری می شود در این برنامه حفظ کردن نشانه ی فهمیدن نیست این که چه کسی و در چه زمانی چه چیزی گفته است تا حدی اهمیت خود را از دست می دهد. کودک به شکل فعالانه، خصوصی و شخصی از جهان و روابط آن می پرسد (لیپمن، ۱۹۹۱، به نقل از قائدی و سلطانی، ۱۳۹۰، ص ۱۰۲).

۱-۴- پرورش درک اخلاقی^۳

مفاهیم اخلاقی چیست؟

آیا شناخت ارزش ها، خوب ها و بدها برای اتخاذ تصمیم اخلاقی کافی است؟

کاوشگری اخلاقی ابزاری است که در بستر روایت و بازی ها به کودکان می آموزد که هر امر اخلاقی دلیل خودش را داراست و هنگام تصمیم گیری همواره تعارض های گوناگون جلوه گر می شوند که درک مفاهیم اخلاقی را آسان تر می سازند (فیشر، ۱۳۸۸، ص ۵۹).

۱-۵- پرورش ارزش های هنری

درک «زیبایی شناسی فلسفی» در درک نمادها و تصاویر و کلمات و آواها نهفته است. با استمرار و تمرین در تحصیل و آفرینش مفاهیم عرصه های جدید در مقابل کودکان گسترده می شود (هاگمن، ۱۹۹۰، به نقل از قائدی و سلطانی، ۱۳۹۰، ص ۱۰۲). بر این اساس هاگمن برنامه فلسفه برای کودکان را در آموزش هنر بسیار قابل استفاده می داند و اجرای آن را موجب درک عمیق تر کودکان از ارزش های هنری می داند.

۱-۶- پرورش شهروندی

قوانین شهروندی در بطن حلقه های کندوکاو با پدیداری خود انگیزته ی اصول و قراردادهای منطقی همراه است که با نوعی تعهد و التزام اخلاقی به هم بسته می شود. (موروس، ۱۹۹۳، به نقل از قائدی و سلطانی، ۱۳۹۰، ص ۱۰۳).

۱-۷- رشد فردی و میان فردی

برای بیشتر کودکان، یادگیری تفکر به صورت فلسفی، ابتدا در فرآیند مباحث بین فردی به وقوع می پیوندد. از آنجا که کتاب های تدارک دیده شده برای این برنامه، هم مطالعه می شوند و هم با معلمان و همکلاسی ها به بحث گذاشته می شوند؛ وسیله خوبی برای ایجاد روابط بین فردی هستند. پاسخ کودکان به شخصیت های موجود در کتابها به آنها کمک می کند تا علایق، ارزش ها و باورهای خود را بهبود ببخشند، کودکان نمی توانند داوری درستی در مورد افرادی که با آنها زندگی می کنند به دست آورند مگر اینکه بینش هایی درباره طبیعت آنها بدست آورند.

اگر کودکان نتوانند زمان و چگونگی استفاده از قواعد اجتماعی را درک کنند و حساسیت زیادی نسبت به آن نشان ندهند، آموزش قواعدی اجتماعی صرف به هیچ وجه مناسب نیست، مگر اینکه، حساسیت بین فردی پرورش یابد و به عنوان پیش نیازی برای تربیت اجتماعی کودک تلقی شود. اگر بصیرت بین فردی پرورش یابد می توان از کودک داوری صحیح اجتماعی را انتظار داشته باشیم (قائدی، ۱۳۸۲، ص ۲۲).

۱-۸. پرورش توانایی مفهوم یابی در تجربه

کودکان در پی کشف معانی درون هر اتفاقی هستند، سؤال پیچ کردن والدین از بزرگترین نموده‌های این اکتشافات است. (قائدی، ۱۳۸۲ ص، ۲۴) هر کودکی عقیده‌ی شخصی خود را دارا است اما در همین ضمن او در حال ساختن و تغییر مفاهیم خویش است (اسپلیتر و شارپ، ۱۹۹۵، به نقل از قائدی و سلطانی، ۱۳۹۰، ص ۱۰۳)

۲- اصول برنامه فلسفه برای کودکان

چهار اصل عمده‌ای که لیپمن به آن معتقد است در برنامه فلسفه برای کودکان عبارتند از:

۱-۲. عقلانیت:

این اصل همواره مورد توجه صاحب‌نظران تعلیم و تربیت بوده و آنان به صورت‌های گوناگون از آن استفاده کرده‌اند؛ لیپمن اعتقاد دارد که برداشت وی از عقلانیت جنبه پژوهشی دارد و با آنچه تاکنون گفته شده است تفاوت دارد او در این باره می‌نویسد: «عقلانیت مور نظر من با عقلانیت ارسطو، کانت و دیویی متفاوت است. منظور من از عقلانیت حاکمیت قوانین و ملاک‌ها بر تفکر انتقادی و اصل سازمان دهنده می‌باشد از این دیدگاه مدرسه مثل دادگاهی است که تحت سیطره مجموعه‌ای از معیارها، موجودیت خود را توصیه می‌کند. (لیپمن، ۱۹۹۱، به نقل از جهانی، ۱۳۸۰، ص ۵۳).

۲-۲. تفکر خودآگاهانه:

لیپمن از دو الگوی متفاوت در تعلیم و تربیت، تحت عناوین «الگوی استاندارد» و «الگوی تفکر خودآگاهانه» سخن می‌گوید؛ که از نظر مبانی فلسفی و اصول تربیتی به طور کامل با یکدیگر متفاوتند به نظر وی الگوی استاندارد، همان الگوی سنتی و رایج است. درک سنتی مردم از آموزش و پرورش که در آن همه راه‌ها به دوران باستان ختم می‌شود، این بود که آموزش و پرورش راه وارد کردن نسل جدید به قبول همان دانش‌ها یعنی همان واقعیت‌ها و ارزش‌هایی است که نسل قبلی آنها را درست می‌دانست. در گذشته چنین تصور می‌شد که دانش آموزان به تأمل درباره مطالبی که به آنها یاد داده می‌شود و تحلیل آنها نیازی ندارند. اما عصر روشنگری موجب به وجود آمدن احساس نیاز به اصلاحات شد. (ناجی، ۱۳۸۷، ص ۴۸) در الگوی استاندارد تعلیم و تربیت، چون فرایند اطلاعات از نسلی به نسل دیگر در نظر گرفته می‌شود، در حالی که در الگوی تفکر خودآگاهانه، تعلیم و تربیت چون فرآیند تفکر لحاظ می‌گردد که فراد، طی آن با داشتن آگاهی از عناصر اساسی تفکر، جریان تفکر خود را مورد ارزیابی قرار می‌دهند. ممکن است افراد به طور طبیعی به تفکر بپردازند، بدون آنکه به جریان تفکر و عناصر دخیل در آن، آگاهی صریح داشته باشند. در این حالت تفکر، توسط فرد متفکر به روشنی هدایت نمی‌گردد، بلکه می‌تواند جریانی آزاد داشته باشد. اما هنگامی که فرد از عناصر تشکیل دهنده تفکر، آگاه می‌گردد و مراحل پیشرفت تفکر را از پیش بشناسد در این صورت می‌توانند جریان تفکر خود را ارزیابی کنند و هدایت جریان تفکر خود را بر عهده بگیرند. از این رو، در اینجا تفکر همراه با آگاهی از آن صورت می‌گیرد و بر این اساس می‌توان آن را تفکر درباره تفکر یا تفکر خودآگاهانه نامید. (جهانی، ۱۳۸۱، ص ۴۰)

۲-۳. تعلیم و تربیت چون فرآیندی پژوهشی

یکی دیگر از اصول تربیتی مورد استفاده لیپمن، در نظر گرفتن تعلیم و تربیت چون فرآیند پژوهشی است. براین اساس تعلیم و تربیت ماهیتی پژوهشی دارد و اهداف و روش‌های خود را از آن اقتباس می‌کند. (لیپمن، ۱۹۹۱، ص ۵) به نظر لیپمن معلمان در جریان آموزش ممکن است از حل مسئله زیاد استفاده کنند بطوری که در کودکان بصورت یک عادت بی‌ثمر در آید. برای تغییر موقعیت باید شاگردان را به طور مداوم با موقعیت‌های مبهم مواجهه کرد و آنها را به تأمل و داشت، لازمه این امر داشتن برنامه پژوهش است که در آن همه کس و همه چیز دعوت به پژوهش می‌شوند (کریمی و خسرونژاد، ۱۳۸۹، ص ۲۲۵) مهارت‌های پژوهشی منجر به بالابردن سطح فعالیت‌های خلاق یادگیرندگان می‌شود و به طرح و آزمون فرضیه از سوی یادگیرندگان کمک می‌کند. روش‌های درست طرح فرضیه و آزمون فرضیه به وسیله کودکان منجر به ایجاد طرز فکر آفریننده در آنها می‌شود. (سیف، ۱۳۸۶، ص ۶۰۵) لیپمن معتقد است تعلیم و تربیت

رایج در سال های گذشته با شکست مواجه شده و خود مقصر این شکست بوده است. زیرا اهداف این نوع تربیت محدود بوده و به روش های پژوهش بی اعتنایی نموده است. علاوه بر این در الگوی تربیتی رایج، موضوعات درسی به صورت مجزا در اختیار دانش آموزان قرار می گیرد و فرصت پژوهش کردن از آنان سلب می شود. بدین ترتیب، به جای اینکه فراگیران همچون دانشمندان به اندیشیدن بپردازند و با بهره گیری از روش آنان به نتایج جدیدی برسند، به طور عمده از محصول کار آنان به صورت خام استفاده می کنند و به نتایج جدیدی برسند، که آنان رسیده اند بنابراین در آموزش تفکر انتقادی هم چون بخشی از کل جریان تعلیم و تربیت، باید ماهیت پژوهشی تفکر مورد توجه قرار گیرد و افراد به جای انباشتن نتایج تفکر دیگران یا از برکردن انتقادهای وارد شده بر مسائل مختلف، خود به تفکر انتقادی بپردازند و این مسیر را چون جریانی پژوهشی ببینند. به اعتقاد لیپمن الگوی تربیتی استاندارد پاسخگویی موقعیت های پیچیده زندگی نیست، بنابراین برای استفاده موثر باید در مفروضات آن تجدید نظر به عمل آید و به صورت یک الگوی پژوهشی مورد توجه قرار گیرد (جهانی، ۱۳۸۱، ص ۴۰-۴۱)

۲-۴_ کلاس درس (حلقه کندوکاو)

حلقه ی کندوکاو چارچوب مناسبی را برای تمرین راهکارهای فلسفه فراهم می کند، اجتماع کوچکی که به کودکان امکان می دهد که از فعالیت های اجتماعی و بیرونی به فعالیت های فردی و درونی یا ذهنی برسد در این چارچوب به کودکان می تواند کندوکاو را به مشارکت و همیاری معلم و همکلاسان تمرین کنند و پس از آنکه یاد گرفتند، به تنهایی نیز بتوانند به آن روی آورند. به طور کلی، برای اینکه کودکان یاد بگیرند چگونه به تنهایی فکر کنند، باید در کار با هم فکر کردن مشارکت کنند. اجتماع کندوکاو نوعی فعالیت مشارکتی است و محیط مناسب را برای تبادل نظر فراهم می کند که طی آن کودکان می توانند از یکدیگر سؤال کنند، برای یکدیگر دلیل بیاورند و به دیدگاه های یکدیگر گوش فرا دهند (رشتچی و کیوانفر ۱۳۸۸، ص ۴۰) اجتماع پژوهشی یکی از مفاهیم کلیدی در برنامه فلسفه برای کودکان است که آموزگاران و دانش آموزان در طی کاربرد و اصلاح آن برای مقاصدشان، به آن جنبه و ابعاد تازه ای می دهند (مرعشی، ۱۳۸۸، ص ۱۱۴) در حلقه ی کندوکاو که بر اساس آن دانش آموزان در گروه های کوچک یا دو نفره فعالیت می کنند که بر مبنای فعالیت «یادگیری مشارکتی، استوار است.

محتوی^۱ آموزشی در برنامه فلسفه برای کودکان محتوی آموزشی به کمک سه منبع صورت می گیرد: داستان های کوتاه فلسفی، کتاب راهنمای معلم، معلم.

۲-۴_۱_ داستان های فلسفی

لیپمن با تألیف کتب فلسفی و ابداع نظریه خود، بر آن بوده تا الگویی جدید و مبتنی بر تفکر در تعلیم و تربیت ارائه دهد که مفاهیم محوری و انسجام بخش آن خردمندی یا معقولیت (ویژگی فردی) و دموکراسی (مربوط به ویژگی اجتماعی) باشد. این الگو فقط به اهمیت تفکر انتقادی تأکید ندارد بلکه بر تفکر خلاقانه و تفکر توأم با علاقه نیز تأکید می کند و معتقد است که هر سه نوع تفکر لازم و ضروری اند (ناجی، ۱۳۸۷، ص ۵۴) لیپمن با نوشتن کتاب هری استوتلمیر اولین کتاب فلسفه با کودکان را تألیف کرد (این عنوان اشاره ای بود به اسم ارسطو) پس از چند سال کتاب لیزا^۲ را تحریر کرد که مربوط به اخلاقیات بود. کتاب های بیشتر و بهتری نوشته شد که هر کدام ویژه سطوح سنی خاصی بود.

۲-۴_۲_ کتاب راهنمای معلم

متیو لیپمن بنیان گزار برنامه آموزشی فلسفه برای کودکان کتاب هری استوتلمیر را تحریر کرد. در پی آن برای معلمان به کمک آنه مارگارت شارپ کتاب راهنما شامل صدها تمرین فلسفی بود نوشت آن کتاب هم به خوبی نتیجه بخش بود (لیپمن در مصاحبه با ناجی، ۱۳۸۷، ص ۱۲) بعدها کتاب های بیشتر و بیشتری توسط بزرگان این علم نگارش شد که هر کدام ویژه سطوح سنی خاصی بود که این کتاب ها به همراه کتاب راهنمای کمک آموزشی شان برای معلمان تألیف شدند (قائدی، ۱۳۸۸، ص ۱۳۸)

۲-۴-۳- معلم

نقش معلم در این برنامه خیلی تعیین کننده و غیرمستقیم است به اصطلاح معلم محوری نیست، یعنی این طور نیست که معلم همیشه پاسخ درست را بداند و آن را مطرح کند تا دانش آموزان نیز یاد بگیرند و اگر دانش آموزان پاسخی را تدارک ببینند، به وی القا نمی شود که این پاسخ قابل قبول است، در آموزش و پرورش قدیم یا رایج معلم کسی است که پاسخ درست فقط نزد اوست و او باید تصحیح کننده باشد. به عبارتی معلم محوری است اما در این سیستم آموزشی معلم نمی گوید چه چیزی درست است و چه چیزی نادرست. در این سیستم بر گفتگو تکیه می شود؛ یعنی معلم باید گفتگو را رواج دهد. این گفتگو میان همسالان با سواد تجربی یکسان صورت می گیرد، نه در رابطه عمومی و یک طرفه میان معلمی دانا و شاگردی نادان. در اینجا دیالوگ، دو طرفه بودن پرسش و پاسخ در میان همسالان مورد تأکید است (باقری، ۱۳۸۵، به نقل از قائدی، ۱۳۸۸، ص ۷۶)

توصیف برنامه درسی آموزش فلسفه برای کودکان تا سال ۱۹۸۰ فقط یک برنامه درسی فلسفه برای کودکان وجود داشت که بوسیله مؤسسه پیشبرد فلسفه برای کودکان (IAPC) منتشر شده است این برنامه درسی مبتنی بر پیش فرض هایی درباره کودکان است. اهدافی دارد و کتب و منابعی را تهیه نموده است که در اختیار معلمان و دانش آموزان قرار می گیرد تا در فرآیند اجتماع پژوهشی در کلاس درس در مدارس بتوانند از آن استفاده نمایند، تمام این اقدامات به همت متیو لیپمن که برای مدت ها مسئول مؤسسه IAPC بود صورت گرفته است.

۳- پیش فرض ها:

- ۱) این برنامه درسی باید نسبت به مکاتب فلسفی مختلف بی طرف باشد در عین حال در کل باید نمایانگر فلسفه ای باشد.
- ۲) این برنامه درسی باید شکل غیر تلقینی تدریس شود کودکان و فلاسفه هر دو از دنیا و تحیرند، بنابراین کودکان در صورتی که ایده های فلسفی به زبان قابل درک برای آنها تنظیم شده باشد.
- ۳) می توانند ایده های فلسفی را بپذیرند و ایده های فلسفی خود در اختراع کنند و به طور خلاصه کودکان پیوندی طبیعی به فلسفه دارند.
- ۴) حرکت های منطقی که کودکان در مکالمات خود بکار می گیرند کاملاً از حرکت هایی که فلسفه می کنند متفاوت نیستند هر دو دارای پیش فرض، استنباط، تعریف اصطلاحات، ساخت ایده، طبقه بندی و تحلیل موارد مهم هستند.
- ۵) بسیاری از مهمترین اصطلاحاتی که فلاسفه از آن استفاده می کنند در واژه های مورد استفاده کودکان هم یافت می شود. نظیر خوبی درستی و انصاف (در اخلاق) حقیقت امکان و درستی (در شناخت شناسی) زیبایی و هنر (در زیبا شناسی) دلیل و مفهوم (در منطق) فرد زندگی و دنیا (در متافیزیک)
- ۶) سؤالاتی که کودکان می پرسند شبیه سؤالاتی که فلاسفه از آن استفاده می کنند در دو گروه سؤالاتی پرسیده می شود که دیگران آن را مسلم می پندارند.
- ۷) تصور اینکه کودکان غرق در تجربه های محسوس مورد علاقه شان هستند و درباره ایده های مجرد بحث نمی کنند سراسر خطاست در حقیقت این پیش داوری یک بزرگسال است که باعث شده است کودکان درزمینه ای ایده های مجرد رشد نکنند.
- ۸) وقتی الگوهایی از تفکر خوب در اختیار کودکان داشته باشد بهتر فکر می کنند این الگوها ممکن است معلمان کتاب ها و یا همسالان آنها باشند به ویژه مهم است که کتاب هایی که برای کودکان نوشته می شود با الگوهایی از کودکان اندیشمند همراه کرد و در کلاس درس به صورت یک اجتماع پژوهش اداره می شود.
- ۹) کودکان وقتی بیشتر یاد می گیرند که کتاب هایشان به شکل داستان باشد نظیر داستان ها و قصه های کوتاه و یا به شکل ادبیات نظیر شعر زیرا این امر آنها را قادر می سازد تا معانی زمینه ای فراری را
- ۱۰) هر چند هوش به صورت های مختلف خود را نشان می دهد اما در کلاس درس رایج ترین نمودهای آن زبان نوشتاری و شفاهی است کودکان به استدلال کلامی در زبان معمولی نیاز دارند استدلال نمادین در درجه دوم اهمیت است.
- ۱۱) کودکان در پی معانی هستند و احتمالاً یافتن چنین معنایی برای آنها انگیزش بزرگی به شمار می رود.

۱۲) به منظور آموزش شناختی اثر بخش کتاب های راهنمای آموزش لازمند تمرین هایی را برای تقویت مهارت شناختی و طرح بحث تهیه کنند و باعث شکل گیری مفهوم شوند.

۱۳) برای حفظ کیفیت و یکپارچگی رشته های تحصیلی تمرین ها باید توسط متخصصان برنامه درسی همان رشته نوشته شوند به وسیله معلمان دیگر

۱۴) آموزش شناختی اثر بخشی بر تقویت چهار دسته از مهارت های متمرکز است: مهارت های استدلالی، تحقیق، شکل دهی مفهوم و مهارت های ترجمه.

۱۵) تعقل و استدلال یک مهارت است و به وسیله آموزش شناختی که شامل الگوسازی مریب گری و تفکر علمی است و به بهترین نحو آموزش داده می شود (قائدی، ۱۳۸۳، ص ۲).

متیو لیمن به عنوان بنیان گزار فلسفه برای کودکان و با انجام اقدامات متعدد و تلاش پی گیر و بی وقفه تلاش نموده است این برنامه را به صورت سازمان دهی شده و منسجم اجرا نمایند. یکی از اقدامات مهم او تدوین برنامه درسی فلسفه برای کودکان در قالب قصه، رمان و داستان کوتاه برای کودکان به همراه راهنمای آموزشی آنها برای معلمان است. اسامی برخی کتاب های او عبارتند از:

۱_ الفی^۱ (۱۳۸۷) در سه جلد ۲- فکر کردن دسته جمعی^۲ (۱۹۸۸) راهنمای آموزش الفی برای پایه اول و دوم ابتدایی ۳- پیکسی^۳ (۱۹۸۱) ۴- به دنبال معنی^۴ (۱۹۸۴) راهنمای آموزش پیکسی برای پایه سوم ابتدایی ۵- کیوو گس^۵ (۱۹۸۲) ۶- شگفتی در دنیا^۱ (۱۹۸۶) راهنمای آموزشی کیوو و گس برای چهارم ابتدایی ۷- هری استاتلمیر^۲ (۱۹۸۶) ۸- پژوهش فلسفی^۳ (۱۹۸۲) راهنمای آموزش هری برای پایه پنجم و ششم ۹- تونی^۴ (۱۹۸۳) ۱۰- کاوش گری علمی^۵ (۱۹۸۳) راهنمای آموزش تونی برای پایه ششم تا ۱۱- لیزا^۱ (۱۹۸۳) ۱۲- پژوهش اخلاقی^۲ (۱۹۹۴) راهنمای آموزشی لیزا برای پایه هفتم تا نهم ۱۳- سوکی^۸ (۱۹۷۸) ۱۴- نوشتن چرا و چگونه^۹ (۱۹۸۰) راهنمای آموزش سوکی ۱۵- مارک^{۱۰} (۱۹۸۰) ۱۶- پژوهش اجتماعی^{۱۱} (۱۹۸۰) راهنمای آموزش مارک برای پایه هشتم تا دهم. ۱۷- پنج داستان به همراه راهنمای آموزش آنان برای پایه های یازده و دوازده در زمینه های اخلاق، شناخت شناسی، متافیزیک، زیبایی شناسی و منطق. (قائدی، ۱۳۸۶، ص ۱۲)

پایه اول و دوم

برنامه درسی شامل قصه هایی است که در کتاب سه جلدی الفی گردآوری شده است و یک راهنمای آموزش به نام فکر کردن دسته جمعی برای راهنمایی و آموزش معلمان تدارک دیده شده است در این پایه ها بر فراگیری زبان با توجه به اشکال استدلال ضمنی در محاورات روزمره کودکان تأکید می شود

پایه سوم:

این برنامه شامل یک داستان کوتاه به نام پیکسی است و یک راهنمای آموزش معلم به نام به دنبال معنی برای معلمان تدارک دیده شده است. در این برنامه تأکیدهای پایه دوم ادامه پیدا می کند.

پایه چهارم:

این برنامه شامل داستان کیووگس است و راهنمای آموزشی معلم به نام شگفتی در دنیا آن را همراهی می کند و هدف آن آوردن کودکان به سطحی است که بتواند استدلال صوری مراحل بعدی را تولید کنند به ساختارهای شناسی و نحوی نظیر الهام و تضاد مفاهیم ارتباطی و تصورات فلسفی انتزاعی نظیر، علیت، زمان، مکان، عدد، شخصی، طبقه، گروه توجه بیشتری خواهد شد.

پایه پنجم:

این برنامه درسی شامل داستان کشف هری استاتلمیر است که یک راهنمای آموزش معلم تحت عنوان کاوشگری فلسفی همراه آن است در اینجا بر روی فراگیری منطق صوری و غیر صوری تأکید می شود این داستان الگویی گفتگویی آرایه می کند که در آن کودکان با یکدیگر با معلم گفتگو می پردازد این داستان در یک کلاس درسی کودکان تنظیم شده است به جایی که آنها شروع به درک کاوشگری فلسفی راهنمای آموزش کشف هدی استاتلمیر ایده های فلسفی برآمده از هر فصل داستان را شناسایی می کند و برای اجرای آن در

کلاس طیفی از تمرینات و فعالیت ها را برای هر ایده تدارک می بیند. در این روش محتوای فلسفی داستان از طریق بحث ها و فعالیت هایی که اطلاعات را در کلاس در یک اجتماع پژوهش ارتقاء می دهد به تمرین گذاشته می شود. (قائدی، ۱۳۸۶، ص ۶)

پایه ششم:

این برنامه درسی شامل داستان های کوتاه نوین است که پیش فرض های اساسی کاوشگری علمی را بررسی می کند این کار از طریق به بحث گذاردن فرض های اساسی کار عملی صورت می گیرد تا کودکان بتوانند به سمت شناخت هدف ها و سودمندی های علم حرکت کنند دانش آموزانی که فرصت هایی برای بحث پیرامون مفاهیم کلیدی نظیر عینیت پیش بینی اثبات اندازه گیری تبیین توصیف و علیت داشته اند بهتر آماده خواهند شد تا با محتوای علمی رشته ها سروکار داشته باشند و بهتر بر انگیزته می شوند تا در کاوشگری علمی همراه است. (همان)

پایه هفتم تا هشتم:

این برنامه درسی تأکید بر روی تخصصی ساختن اولیه فلسفه در حوزه های کاوشگری اخلاقی زبانی و مطالعات اجتماعی است برنامه درسی کاوشگری اخلاقی برای دانش آموزان در پایه ۷-۸ شامل داستان کشف لیزا است و راهنمای آموزشی آن کاوشگری اخلاقی نامیده می شود لیزا دنباله ای برای داستان کشف هری است و بر روی موضوعاتی نظیر خوبی طبیعی صحبت واقعی و غیر واقعی و ماهیت قواعد استانداردها تمرکز می کنند موضوعاتی دیگری نظیر حقوق کودکان رابطه کار و جنسیت تبعیض (جنسی و شغلی) و حقوق حیوانات نیز مورد بررسی قرار می گیرد لیزا علاقه مند است که ارتباط با داستان کشف هری است و بر روی موضوعاتی نظیر خوبی، طبیعی صحبت واقعی و غیر واقعی و ماهیت قواعد و استانداردها تمرکز می کنند موضوعات دیگری نظیر حقوق کودکان، رابطه کار و جنسیت، تبعیض (جنسی و شغلی) و حقوق حیوانات نیز مورد بررسی قرار می گیرد. لیزا علاقه مند است که ارتباط درونی منطقی و اخلاق را بداند این برنامه درسی به دانش آموزان کمک می کند تا در توجیه باورهایشان و توجیه برخی از انحرافات از الگوهای معمولی زندگی، دلایل خوب ارائه دهند. سوکی داستانی است درباره همان گروه از کودکان که هم اکنون سال اول دبیرستان هستند آنها با تکالیفی در نوشتن شعر و نثر مواجه هستند. این داستان راهی را بررسی می کند که در آن این گروه از نویسندگان با آن سروکار دارند و بر آن غلبه می کنند و در ضمن آنها موضوعاتی اساسی نظیر تجربه و مفهوم را بررسی می کنند، معیاری برای ارزیابی نوشتن و ارتباط بین فکر کردن و نوشتن، ماهیت تعریف و تمایز بین فن و هنر ارائه می شود. راهنمای آموزشی عبارت است از کتابی تحت عنوان نوشتن چرا و چگونه؟ (قائدی، ۱۳۸۶، ص ۸)

پایه هشتم تا دهم:

این برنامه شامل تعدادی از رویکردهاست که هر کدام از آنها حوزه پیشرفته تری از تخصصی سازی فلسفه را ارائه می کنند. پنج داستان مجزا هر کدام با راهنمای آموزشی خود شکل گرفته اند که به حوزه اخلاق شناخت شناسی، متافیزیک، زیبایی شناسی و منطق اشاره دارد هر کدام از این حوزه ها مهارت های تفکر و تکنیک های بکارگیری چنین مهارت هایی معرفی می شود و مهارت هایی را که در مراحل قبلی آمده بود تقویت می شود. (همان)

۴- نتیجه گیری

اعتقاد به مغایرت اهداف برنامه آموزش فلسفه به کودکان با اهداف تعلیم و تربیت در اسلام یکی از مهم ترین دلایل عدم اجرایی شدن این برنامه در نظام تعلیم و تربیت رسمی کشور ما به شمار می رود. با توجه به معنایی که در این برنامه برای فلسفه تعریف شده است می توان دریافت که اساس آن پرورش قوه ی عقل است که در متون دینی نیز بسیار بر اهمیت و تربیت آن تأکید شده است. زیرا تربیت عقل موجب تربیت انسان های خردمند و صاحب اندیشه ای خواهد شد که دست یابی به جامعه کمال مطوب را ممکن و میسر می سازند. از طرفی هدف غایی تعلیم و تربیت دینی نیز رساندن انسان به کمال و قرب الهی است که تنها در صورت تربیت کردن عقل به عنوان تکیه گاه ایمان قلبی محقق خواهد شد. با اندک تأملی می توان دریافت که اهداف این دو دیدگاه تربیتی مغایر یکدیگر نبوده، با هم متناظرند. اعتقاد به مغایرت اهداف برنامه آموزش فلسفه به کودکان با اهداف تعلیم و تربیت در اسلام یکی از مهم ترین دلایل عدم اجرایی شدن این برنامه در نظام تعلیم و تربیت رسمی کشور ما به شمار می رود. با توجه به معنایی که در این برنامه برای فلسفه تعریف شده است می

توان دریافت که اساس آن پرورش قوه ی عقل است که در متون دینی نیز بسیار بر اهمیت و تربیت آن تاکید شده است. زیرا تربیت عقل موجب تربیت انسان های خردمند و صاحب اندیشه ای خواهد شد که دست یابی به جامعه کمال مطوب را ممکن و میسر می سازند. از طرفی هدف غایی تعلیم و تربیت دینی نیز رساندن انسان به کمال و قرب الهی است که تنها در صورت تربیت کردن عقل به عنوان تکیه گاه ایمان قلبی محقق خواهد شد. با اندک تاملی می توان دریافت که اهداف این دو دیدگاه تربیتی مغایر یکدیگر نبوده، با هم متناظرند.

۵- منابع

- جهانی، جعفر (۱۳۸۲) «تاریخ در ترازو»، تهران: امیرکبیر.
- رشت چی، مژگان و کیوانفر ارشیا (۱۳۸۸)، «مبانی نظری اجتماع کندوکاو به عنوان روش آموزش فلسفه برای کودکان»، فرهنگ شماره ۶۹
- سیف، علی اکبر (۱۳۷۶) «اندازه گیری وارزشیابی پیشرفت تحصیلی»، تهران، انتشارات: آگاه.
- شعبانی، حسن (۱۳۸۲) «روش تدریس پیشرفته (آموزش مهارت ها و راهبردهای تفکر)»، تهران: سمت.
- قائدی، یحیی (۱۳۸۲)، «مبانی نظری آموزش فلسفه برای کودکان»، تهران: نشر دواوین.
- قائدی، یحیی (۱۳۸۳) «بررسی و نقد دیدگاه فلسفه برای کودکان»، رساله دکتری دانشگاه روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تربیت معلم.
- قائدی، یحیی (۱۳۸۲) «نقد و بررسی مبانی، دیدگاه ها و روش های آموزش فلسفه به کودکان»، (رساله دوره دکتری) دانشگاه تربیت معلم تهران.
- کریمی، روحانته، (۱۳۸۹)، «آیا فلسفه برای کودک به نسبی گرایی می انجامد» تفکر و کودک شماره ۲.
- مرعشی، سید منصور، صفایی مقدم، مسعود، خزامی، پروین (۱۳۸۹) «بررسی تأثیر اجرای برنامه آموزش فلسفه برای کودکان به روش اجتماع پژوهشی بر رشد و قضاوت اخلاقی دانش آموزان پایه پنجم ابتدایی شهر اهواز»، تهران: مجله تفکر و کودک، سال اول، شماره ۱.
- مرعشی، سید منصور، صفایی مقدم، مسعود، خزامی، پروین (۱۳۸۹). «بررسی تأثیر اجتماعی برنامه آموزش فلسفه برای کودکان به روش اجتماعی پژوهشی بر رشد متفاوت اخلاقی دانش آموزان پنجم ابتدایی اهواز تفکر و کودک، سال اول، شماره اول صص ۸۳-۱۰۲
- ناجی، سعید (۱۳۸۷) «فلسفه برای کودکان و نوجوانان پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی»، سال دوم، شماره سوم، صص ۷۲-۵۴.
- ناجی، سعید، قاضی نژاد، پروانه (۱۳۸۶) «بررسی نتایج برنامه فلسفه برای کودکان مهارت های استدلالی عملکرد رفتاری کودکان»، فصلنامه مطالعات فرهنگی، سال اول، شماره اول صص ۲۱-۳۵.
- ناجی، سعید، قاضی نژاد، پروانه (۱۳۸۶) «بررسی نتایج برنامه فلسفه برای کودکان روی مهارت های استدلالی و عملکرد رفتاری کودکان»، تهران: مطالعات برنامه درسی، سال دوم، شماره ۷. صص ۱۵۰-۱۲۳

- Andolina mike (۲۰۰۱) critical thinking for working students, cloungia Delmar press citizenship High school Magazine 'no ۱۰۰۱' AP ۲۰۰۰.
- Haynes Ann (۲۰۰۲) children as phibsopher Rutledge flamer London and newyork.
- Iesta, G (۲۰۱۱) philosophy Exposure and children: how to resist instrument alisation of philosophy in education Journal of the philosophy of education society of Great Britain vol. ۴۵, Iss ۲ pp ۳۰۱۹-۳۰۵.
- Lipman, M, (۱۹۸۸) 'critical thinking what cat it Bee Educational Leader ship. Vol,
- Lipman, M, (۱۹۸۸) 'philosophy for children, Journal of philosophy for children, vol,
- Lipman, M, (۱۹۸۸) 'philosophy Goges to school, Philadelphia' Temple univ, press.
- Lipman, M, (۱۹۹۱) strengthening reasoning Judgement through philosopht. IN: Maclure,
- Lipman, M, (۲۰۰۲) thinking in Education Cambridge univ, press.
- Lipman, M, (۲۰۰۲) thinking in Education Cambridge univ, press.

Objectives of the philosophy program for children

Abstract

The purpose of this research is the goals of the philosophy program for children. In this research, critical thinking and its place in education and its role in Lipman's educational program were examined from the perspective of educational philosophers. The research method is descriptive and analytical of the type of library study. After reviewing and analyzing the materials in this research, it can be concluded that critical thinking is the concern of all philosophers of education and that the program of Fabak (Philosophy for Children) is the missing link in today's education. In this program, students increase their reasoning, analysis, and evaluation skills by participating in philosophical exploration circles, and participating in philosophy classes for children has a positive effect on students' self-confidence, self-belief, and socialization. The purpose of teaching philosophy to children is described as follows: ۱- Improving reasoning ability ۲- Cultivating creativity ۳- Cultivating critical thinking ۴- Cultivating moral understanding ۵- Cultivating artistic values ۶- Cultivating citizenship ۷- Individual and interpersonal growth ۸- Cultivating Conceptualizing ability in translation

Key words: critical thinking, educational model, philosophy, education